

فاجعه بیکاری در ایران

یکی از مسائلی که به دنبال اوج گیری اختلافات جناح های حکومتی از پس پرده بیرون افتاد پدیده و رشد بیکاری در میان نیروی کار فعال میهنمان است. در گذشته با دادن آدرس های عوضی و امید به سرمایه گذاری خارجی با شرایطی که ضد منافع ملی است سعی گردید بر علت اصلی و ریشه ای آن سرپوش گذاشته شود. رمضانین پور نماینده مجلس در باره آمارهای بیکاری در کشور می گوید: «در حال حاضر ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر نیروی بیکار در کشور وجود دارد و این در حالی است که ۱۰۰ هزار نفر نیروی کار بازنشسته و ۵۰۰ هزار نیروی کار خارجی مشغول به کار هستند.» (نوروز، ۱۴ بهمن) رمضانین پور نه تنها آمار صحیحی از بیکاران کشور نداده بلکه هنوز همچون سابق سعی کرده است علت اصلی را در نیروی کار خارجی و بازنشسته جستجو

کند. شهربانو امانی دیگر نماینده مجلس طی سخنانی گفت: «حجم مبادلات کالا به صورت قاچاق مرزی در ایران که سالانه ۷ میلیارد دلار است، از مرز خشکی و کوه صورت نمی گیرد، بلکه این کالاها از مبادی ای وارد کشور می شود که مجوز سیستم اقتصادی یکپارچه یا مجوز بازرگانی ندارد.» (آفتاب یزد، ۱۶ بهمن) وی همچنین قاچاق کالا را بزرگ ترین عامل ضربه زدن به تولید و تجارت عنوان کرد. ما قبلا بارها عنوان کرده ایم که با توجه به ساختارهای فاسدی که در رژیم ولایت فقیه وجود دارد و به دلیل وجود چنین ساختارهایی که بالاترین مقامات حکومتی را نیز شامل می شود، اصولا امید بستن به طرح های جور واجور اقتصادی و امید به سرمایه گذاری خارجی حتی اگر دربرگیرنده منافع ملی هم باشد امکان ناپذیر است. استناد به سخنان بالا که از سوی شهربانو امانی به عنوان نماینده مجلس صورت گرفته و همچنین سخنان کرویوی در چندی پیش، میزان فسادهای نجومی را نزد حکومتیان که باعث بیکاری و فلاکت اکثریت عظیمی از زحمتکشان میهنمان گردیده است را بر ملا می سازد. با استناد به افشاگری هایی که اخیرا توسط بالاترین مقامات حکومتی صورت گرفته است، کارگران و زحمتکشان میهنمان به خوبی آگاه هستند علت بیکاری، اخراج و فلاکت رو به فزاینده آنها در وجود و حیات رژیم ولایت فقیه می باشد. طرد رژیم ولایت فقیه، یکی از شرایط امید به بهرروزی و خوشبختی و سعادت برای زحمتکشان میهنمان در روندهای آتی است.

ضمیمه نامه

مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۶۲۷، دوره هشتم

سال هجدهم، ۲۳ بهمن ماه ۱۳۸۰

پرونده سازی های خطرناک تاریک اندیشان حاکم بر ضد نیروهای ملی - مذهبی

برای آزادی این گروه شد، به تمامی درخواست ها پاسخ منفی داده شد و سرانجام نیز، پس از تحمیل شرایط سخت زندان های انفرادی و شکنجه و آزار و بلا تکلیف نگهداشتن این گروه، اعلام شد که دادگاه ملی - مذهبی ها در پشت در های بسته و غیر علنی برگزار خواهد شد.

اما تجربه دو دهه محاکمه در پشت درهای بسته، این باور را در بین مردم ایجاد کرده است که دادگاه های فرمایشی رژیم در چنین شرایطی به مفهوم پنهان کردن واقعیت های محاکمه و بر اساس اتهام ها و مدارک واهی و پوچ است و در نظر مردم از هیچ ارزشی برخوردار نیست و دیگر اینکه هر محاکمه ای در پشت درهای بسته بیانگر موج جدیدی از افزایش مقاومت های مردمی در برابر جور و ظلم رژیم «ولی فقیه» است.

به دنبال اعلام آغاز محاکمه ملی - مذهبی ها، اعتراض های وسیعی در مخالفت با غیر علنی برگزار شدن دادگاه این گروه صورت گرفت که به نتیجه ای نرسید. رژیم در مقابله با این اعتراض ها اعلام کرد که علنی شدن دادگاه ها به ضرر «امنیت کشور» است. علیزاده در این رابطه گفت:

«وقتی می خواستیم اینها را محاکمه کنیم

هفته گذشته، علیزاده، رئیس کل دادگستری استان تهران، در سخنرانی که در مدرسه فیضیه داشت، در بخشی از سخنان خود، با اعلام اینکه استاد جدیدی در مورد گروه ملی - مذهبی ها به دست آمده است، گفت: «من این را برای نخستین بار اعلام می کنم که مدارکی از افراد این گروه به دست آمده که خود آنان تا کنون از دستیابی ما به چنین مدارکی بی خبر هستند...»

مدارکی که از این افراد به دست آمده است، حکایت از توطئه براندازی آن دارد که محوره های براندازی مورد اشاره قرار گرفته است. از جمله آن می توان به سازمان برانداز هماهنگی با قدرت ها، جاسوسی برای بیگانگان، تبلیغات سیاه، شکست محور وحدت ملی، نفی باورهای دینی، حمله به حوزه های علمیه و مراجع تقلید، بی اعتبار کردن وجهه نظام در عرصه بین المللی، تبلیغ و ترویج حکومت جایگزین، اقدامات مسلحانه و... اشاره کرد.» (آفتاب یزد ۱۸ بهمن ۱۳۸۰)

قریب یک سال پیش ده ها تن از فعالان ملی - مذهبی، در یورش جدید برای حمله به جریان اصلاح طلبی و گوشزدی دیگر به سایر نیروهای سیاسی که مواظب «رفتار های تند» خود باشند و پا را از گلیم خود فراتر نگذارند، در غیر این صورت، زندان، شکنجه و اتهام های مسخره و پوچ در انتظار آنها نیز خواهد بود. طی سال گذشته علیرغم تلاش های فراوانی که

تغییرات در «مجمع تشخیص مصلحت نظام»

هفته گذشته هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، اظهار داشت که، ممکن است تغییرات جزئی در ترکیب مجمع تشخیص مصلحت نظام پیش بیاید ولی هنوز به تصمیم نهایی نرسیده اند. بنا بر همین گزارش که در روزنامه رسالت ۱۷ بهمن درج گردیده، رفسنجانی گفت: «در آستانه پایان دوره فعلی مجمع در اسفند ماه، ممکن است تغییرات جزئی در ترکیب آن ایجاد شود.» رفسنجانی در جواب سئوالی که آیا در نوع و محدوده وظایف مجمع در دور آینده تغییری ایجاد خواهد شد گفت که فکر نمی کند ارتقایی در کار باشد. روزنامه رسالت در همان روز در سرفصل خود که بی ارتباط با سخنان رفسنجانی نیست با تشریح ساختارهای موجود، به مساله اختلافات درون گروهی اشاره می کند و با طرح این نظر که ارجاع تمامی اختلافات به رهبری دشواری های زیادی را باعث می شود، به نقش مجمع تشخیص مصلحت نظام می پردازد،

ادامه در صفحه ۲

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

ادامه تغییرات در «مجمع تشخیص مصلحت نظام» ...

ادامه پرونده سازی های خطرناک تاریک اندیشانه ...

نهیست آزادی ها سر و صدا کردند که این ها را به صورت علنی محاکمه کنید. ما می خواستیم این ها را علنی محاکمه کنیم. اما آبروی اینها می رفت... رئیس قوه قضاییه می گفت اگر این ها را علنی محاکمه کنید مسایلی را بازگو خواهند کرد که امنیت کشور به خطر خواهد افتاد... ما واقعا برای حفظ آبروی افرادی که در نظام هستند این ها را به صورت علنی محاکمه نکردیم.» (آفتاب یزد ۱۸ بهمن ۱۳۸۰).

سخنران عزیزان در مورد حفظ «آبروی» افرادی که در نظام هستند، تنها بهانه بی است از بازگزارنی علنی دادگاه ها جلوگیری کند، دادگاه هایی که در صورت علنی شدن رسوایی بیشتری را برای سران رژیم «ولایت فقیه» به همراه خواهد داشت و پوچی و بی پایه بودن اتهام های آن ها را در برابر دید افکار عمومی قرار خواهد داد.

برگزاری غیر علنی دادگاه ملی - مذهبی ها به بهانه «حفظ امنیت ملی» و «حفظ آبروی افراد نظام» و وارد کردن اتهام های جدید، که هر کدام از آنها می تواند جان این زندانیان را با خطر مواجه سازد و آنها را به جوخه های مرگ رژیم بسپارد، بهانه دیگری است تا بیدادگاه های رژیم «ولایت فقیه» بخشی دیگری از نیروهای هوادار اصلاحات را بدون داشتن مدرک به محاکمه بکشند و روند رعب و وحشت را همچنان در میان مردم ادامه دهند و با تحت فشار قرار دادن نیروهای سیاسی، دامنه فعالیت آن ها را کاهش دهند و از فعالیت آنها جلوگیری کنند.

این هشدار جدی به سایر نیروهای اصلاح طلب است و آن اینکه رژیم قرون وسطایی «ولایت فقیه» در مورد حفظ منافع خود، حاضر است تا به هر جنایتی دست بزند و بی شک نیز به روند سرکوب و تهنید منافع مردم، با خشونت هرچه بیشتر نیز ادامه خواهد داد. برای مرتجعان رژیم، که در طول حکومت خود به پرونده سازی های دروغین علیه نیروهای فعال سیاسی و دیگر صداهای معترض و مخالف دست زده اند، پرونده سازی های جدید، وادار کردن به اقرار به گناه و اعتراف های دروغین تحت فشار و تهیه مدارک جرم جعلی، علیه هرکس دیگری، کار مشکلی نخواهد بود و در صورت عدم برخورد و اعتراض به آن، گریبان دیگر نیروهای سیاسی را نیز خواهد گرفت.

آنچنان که در گذشته اشاره کرده ایم، سکوت در مقابل خود سری ها، بی عملی و عدم اعتراض گسترده علیه جنایاتی که روی می دهد، از سوی ارتجاع به مفهوم چراغ سبزی برای برداشتن گام های بعدی تلقی می شود.

تجربه نشان داده است که در برابر هر سکوتی، ارتجاع حاکم، دامنه تهاجمات خود را گسترش می دهد و جنبش مردمی را با مخاطرات بیشتری روبه رو می کند. در حال حاضر مبرم ترین نیاز جامعه ما، شکستن این سکوت و برخورد فعال با اقدامات سرکوبگرانه رژیم است و لازمه آن نیز مقاومت وسیع توده ای و افزایش صدای اعتراض عمومی است.

می نویسد: «به گمان نگارنده، مجمع تشخیص مصلحت نظام با توجه به شرایط کنونی و آینده کشور باید نقش فعالتری را در حل معضل «اختلافات بی پایان نخبگان» ایفا نماید. لذا پیشنهادهای قبیل را با توجه به آن که احتمالا در اسفند ماه تغییرات مجمع را شاهد خواهیم بود ارایه می نمایم.» سرمقاله در ارایه پیشنهادات خواستار نقش مشورتی این مجمع با شرکت نمایندگان جریانات مهم کشور، که در آن چهره های صاحب فکر و متین سیاسی به عنوان آیین تمام نمای گرایش های مطلوب فکری در آن حضور داشته باشند، گردیده و در مورد نقش رفسنجانی می نویسد: «خوشبختانه، ریاست مجمع تشخیص در حال حاضر توانایی سطح عملکرد و نقش این مجمع را داراست. به نظر می رسد شکل دهی مطلوب مجمع تشخیص مصلحت نظام به مثابه «مجلس مشورتی مهستان» قادر است تا حدود زیادی از اختلافات بعد از تصمیم بکاهد و آن را به اختلافات قبل از تصمیم گیری و وحدت پس از تصمیم مبدل کند.» روزنامه «نوروز» که بیانگر دیدگاه اصلاح طلبان حکومتی است در شماره روز ۱۸ بهمن ماه خویش در مقاله ای دیگر با توجه به نقش این مجمع، می نویسد: «حرکت به مثابه کارکردن حاکمیت دوگانه استراتژی اصلی اصلاحات است و در این گذار نقش بلامنزاع نهادهای حل منازعه قابل توجه و با اهمیت است.» مقاله در ادامه با تعیین دو پیش شرط آورده است: «ترکیب نهاد حل منازعه منطبق با ترکیب و وزن واقعی نیروهای کنشگر و فعال سیاسی - اجتماعی در سطح جامعه باشد. منازعات منطبق با رضایت مندی اکثریت جامعه پایان یابد.» مقاله در ادامه با انتقاد تلویحی از ترکیب فعلی مجمع می نویسد: «آیا به واقع دو شرط پیش گفته برای نهاد حل منازعه برقرار است تا توقع داشته باشیم این نهاد در کارکرد اجتماعی خود موفق بوده باشد؟»

بر اساس گزارش های رسیده از جمله موسوی خوئینی ها، موسوی و نوربخش از ترکیب این مجمع خارج شوند و سه نفر دیگر جای آنها را بگیرند.

بحث ارتقای نقش فعال تر مجمع تشخیص مصلحت نظام در برهه کنونی راقعدتا باید ناشی از اوج گیری اختلافات درون گروهی دانست که در هفته های اخیر شدت بی سابقه بی یافت. طرح این مساله و اشاره دو روزنامه مذکور در غالب مقاله های جداگانه حاکی از رایزنی و گفت و گوهای پشت پرده ای دارد که در آن علیرغم وجود اختلافات در یک قطه مشترک می باشد و آن تایید مجمع تشخیص مصلحت نظام از طرف هر دو جناح حکومتی می باشد. با اینکه هنوز از کم و کیف گفت و گوهای انجام گرفته و توافقات احتمالی خبر موثق دیگری انتشار نیافته اما نگاهی به پیشینه سیاسی نیروهای شرکت کننده در این مجمع و اصولا نقش این مجمع سؤالات زیادی را به وجود می آورد. اولین مساله مهم که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد این است که خوش خیالی از بابت اینکه ذوب شدگان در ولایت حاضر باشند «اقتدار حکومتی» خود را (ولی فقیه) از طریق انتقال به مجمع تشخیص مصلحت و اگذار نمایند، باید بپوش و بپهوده ارزیابی کرد. دوم اینکه حتی در صورت تحقق چنین امری اصل وجود چنین نهادی در مقایرت کامل با شعار مردم سالاری قرار دارد. «مجمع تشخیص مصلحت نظام» نه تنها نهادی ضد مردمی است بلکه تجربه چند ساله اخیر به توده ها ثابت کرده است که این نهاد وظیفه ای جز سد کردن پیشرفت جنبش مردمی نداشته است. مساله سوم اینکه تکیه بر روی عنصر شناخته ای همچون رفسنجانی که در طول پنج سال گذشته و بخصوص در جریان انتخابات مجلس ششم از جانب توده ها کاملا طرد گردید، نشان از بی اعتقادی عمیق به مردم دارد. نگاهی به سابقه سیاسی رفسنجانی و نحوه عملکردهای او در گذشته ثابت کرده است که دغدغه اصلی او حفظ منافع خویش در چارچوب ساختارهای فاسد رژیم ولایت فقیه است. به همین دلیل او در تمامی مقاطع علاوه بر شرکت مستقیم و غیر مستقیم در قلع و قمع مخالفان و بخصوص زندانیان سیاسی، با انجام مانورهای دغل کارانه و حیل گری سیاسی، حتی نزدیک ترین یارانش را نیز به قربانگاه فرستاده است. جنبش مردمی با طرد نیروهایی که قصد توقف اجرای خواسته های آنان را دارند، با بریایی نهادهای دموکراتیک و منتخب به راه سخت و دشوار خویش ادامه می دهد.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>
4. E-mail:mardom@tudehpartyiran.org

Supplement to Namch Mardom-NO 627
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

12 February 2002

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰-۲۹-۳۰-۳۲۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e.V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse